

### تاریخ تحلیلی اسلام

#### بخش دوم

حجة الاسلام والمسلمین رسولی محلاتی

#### قسمت چهارم

# داستان ولادت علی علیه السلام

باره ولادت علی علیه السلام، در اینجا بحث شود.

### پیوند علی «ع» با رسول خدا «ص» در خلقت

در روایات زیادی که از طریق دانشمندان شیعه و اهل سنت  
بما رسیده، از رسول خدا «ص» روایت شده که فرمود: من و علی  
از یک نور آفریده شدیم...

و در برخی از آنها آمده است که: من و علی از یک درخت  
خلق شده ایم - که ما در تاریخ زندگانی علی علیه السلام،  
مقداری از آنها را نقل کرده ایم - و در اینجا نیز آن روایات را برای  
شناختن می کنیم:

۱ - علامه شیخ سلیمان قندوزی در کتاب «تاریخ النبوة» -  
«بسنند مرفوع از رسول خدا «ص» - روایت کرده که فرمود: من و  
علی از یک نور آفریده شدیم چهار هزار سال پیش از آنکه خدا آدم

ازدواج حضرت محمد «ص» با خدیجه، سبب شد تا آن  
بزرگوار با انتقال به خانه جدید و تشکیل خانواده، از استقلال  
بیشتری در زندگی خویش برخوردار گشته، و شالوده زندگی  
خود را بر آن اساس پی ریزی کند.

از این سال - که سال بیست و پنجم عمر رسول خدا «ص»  
بود - تا سال سی ام عمر آن حضرت، اتفاق مهمی که در تاریخ  
ضبط شده باشد در زندگانی آن بزرگوار ذکر نشده، و بنا بر طبق  
روایات مشهور علمای شیعه و اهل سنت، در سال سی ام عمر آن  
حضرت بود که علی بن ابی طالب علیه السلام در خانه ابوطالب  
به دنیا آمد، و چون این حادثه تاریخی و بزرگ از جهات متعددی  
- حثی در اصل خلقت - مربوط به زندگانی رسول خدا «ص»  
می شود، و پس از یکی دو سال نیز - بشرحی که بعداً خواهیم  
گفت - این مولود جدید به خانه محمد «ص» منتقل گردید و به  
صورت فرزندی برای آن بزرگوار درآمد؛ لازم است مقداری در

را بیافرینند و چون خدا آدم را آفرید این نور را در صلب آدم قرارداد، و همچنان یکی بودیم تا در صلب عبدالمطلب از یکدیگر جدا شدیم و در من نبوت جایگیر شد و در علی وصایت.

۲ - علامه شیخ عبدالله حنفی مشهور به اخوانیات از ابی هریره روایت کرده که گوید: نزد رسول خدا «ص» نشسته بودیم که علی علیه السلام وارد شد، رسول خدا فرمود: برادر و عموزاده ام خوش آمدن و او از یک نور آفریده شدیم.<sup>۱</sup>

۳ - علامه گنجی شافعی در کتاب کفایة الطالب<sup>۲</sup> از ابن عباس از رسول خدا «ص» روایت کرده که فرمود: خداوند چهل هزار سال پیش از آنکه دنیا را بیافریند، عمودی از نور آفرید و او را در برابر عرش خود قرار داد تا چون آغاز بعثت من شد آنرا دو نیم کرد از نصف آن پیغمبر شما را آفرید، و نیم دیگر علی بن ابیطالب است.

۴ - علامه اخطب خوارزم در کتاب مناقب<sup>۳</sup> بسند خود از جابر روایت کرده که رسول خدا «ص» فرمود: من و علی از یک درخت آفریده شدیم و مردم از درختهای گوناگون.

۵ - علامه ابن حسویه در کتاب «بحر المناقب» از ثمامه باهلی روایت کرده که رسول خدا «ص» فرمود: خداوند من و علی را از یک درخت آفرید که من ریشه و اصل آن، و علی تنه و فرع آن، و حسن و حسین میوه آن، و شیعیان ما برگ آن درخت هستند. و هرکس به این درخت چنگ زند داخل بهشت شده و از آتش دوزخ امان یافته است.<sup>۴</sup>

۶ - علامه گنجی شافعی در کتاب کفایة الطالب<sup>۵</sup> از عبدالرحمن بن عوف روایت کرده که رسول خدا «ص» فرمود: شجره من هستم و فاطمه تنه آن و علی پیوند آن، و حسن و حسین میوه آن و شیعیان ما برگ آن هستند، و اصل آن درخت در بهشت عدن و ریشه و تنه و پیوند و میوه و برگ آن در بهشت است. و بدنیاال آن اشعار زیر را از جلی و اعظ نقل کرده که گوید:

يَا حَبِذَا دَوْحَةً فِي الْخُلْدِ نَابِتَةٌ      مَامِثَلَهَا نَبَتْ فِي الْخُلْدِ مِنْ شَجَرِ  
الْمُصْطَفَى أَصْلَهَا وَالْفَرْعُ فَاطِمَةُ      ثُمَّ اللَّيْلُحَاحُ عَلِيُّ سَيْدِ النَّبِيِّ  
وَالهَاشِمِيُّانَ مِنْبَطَاهَا لَهَا ثَمَرٌ      وَالشَّيْبَةَ الْوَرَقُ الْمُتَلَفُّ بِالْفَتْرِ  
إِنِّي بِمُجِيبِهِمْ أَرْجُو السَّجَاةَ غَدًا      وَالْفَوْزَ مَعَ زُمَرَةٍ مِنْ أَحْسَنِ الزَّمْرِ

و نظیر احادیث فوق را در احقاق الحق (ج ۵ ص ۲۴۲ تا ۲۶۶) در بیش از هفتاد حدیث دیگر از کتابهای اهل سنت روایت کرده که ما بخاطر رعایت اختصار همین شش حدیث را آوردیم.

چنانچه مشابه این روایات در کتابهای علماء بزرگوار شیعه نیز آمده که ما برای تبیین و تبرک یکی از آنها را نقل می کنیم و تتبع بیشتر را بعهده خواننده محترم می گذاریم:

شیخ صدوق رضوان الله علیه در کتاب خصال، و مرحوم اربلی در کتاب کشف الغمّة از محمد بن عبدالله از پدرش از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود: من و علی نوری بودیم در پیشگاه خدای تعالی چهار هزار سال پیش از آنکه آدم را بیافریند، و چون آدم را آفرید این نور را در صلب او قرار داد، و همچنان از صلبی به صلب دیگر او را انتقال داد تا در صلب عبدالمطلب قرار داد، و چون از صلب عبدالمطلب بیرون آورد آنرا به دو قسمت تقسیم کرد، قسمت مرا در صلب عبدالله قرار داد و قسمت علی را در صلب ابی طالب، پس علی از من و من از علی هستم.

گوشش از گوشت من و خون او از خون من است، و هرکس علی را دوست دارد، بخاطر دوستی من است که او را دوست داشته، و هرکس او را مینغوض دارد بخاطر دشمنی با من است که او را مینغوض داشته است.<sup>۶</sup>

والبتّه این احادیث از دو نظر دیگر نیز قابل بحث است:

یکی از نظر اینکه آیا منظور از خلقت آنان قبل از آدم علیه السلام به چهار هزار سال یا کمتر و بیشتر چیست؟ و آیا این روایات نظیر همان روایات دیگری است که بطور عموم از معصومین علیهم السلام روایت شده که خداوند ارواح را هزاران سال قبل از اجساد آفرید، و دانشمندان اسلامی برای آنها معنای مختلفی ذکر کرده و هرکدام بر طبق نظریه و مدعای خود، آنها را بگونه ای تفسیر کرده اند، آنها که قائل به حدوث نفس بوده آن را دلیلی بر مدعای خود دانسته، و آنها که معتقد به قدم نفس هستند بنوعی دیگر این روایات را تفسیر و معنی کرده و دلیلی بر مدعای خود دانسته اند، و برخی از علمای اسلام نیز حد وسط را گرفته و بگونه دیگری معنا کرده اند.

## داستان ولادت...

و از شیخ مفید «ره» نقل شده که لفظ «خلق» را در این روایات حمل بر «تقدیر» فرموده، و از برخی دیگر نیز حکایت شده که حمل بر نوعی از استعاره و تمثیل کرده‌اند، و بهر صورت این گونه روایات از جمله روایات مشکله‌ای است که هم در سند آنها و هم در مفهوم و معنای آنها بحث زیادی شده و اساتید فن هر کدام بنحوی درباره آنها قلمفرسایی کرده‌اند.

و دیگر آنکه آیا منظور از نوری که خدای تعالی ارواح رسول خدا و امیرالمؤمنین و ائمه علیهم السلام از آن آفریده و بتایب اختلاف روایات - هزاران سال قبل از خلقت آدم آنرا بصورت عمودی یا درختی خلق فرمود - چیست؟ و آیا ماورای این خلقت و این عالم، عوالم دیگری وجود دارد که وجود ممکنات این عالم - که یکی از آنها نیز انسان است - پیش از آنکه در این عالم تجسم یابد بصورت و یا صورتهای دیگری در آن عالم یا عوالم دیگر آفریده شده، و حالات و اطواری در آنجا داشته تا هنگامی که به این صورت و در این عالم آمده؟ و یا به گونه‌ای دیگر بوده؟

پس از اثبات چنین مطلبی آیا علت نزول این ارواح مجرده و ملکوتی از آن عالم نا محدود به این عالم نا سوت و دنیای محدود، و به تعبیر شیخ الرئیس از آن «مکان شامخ و عالی» به این «قمر حقیض» چه بوده است؟ که ما در یکی از تألیفات و نوشته‌های دیگر خود که در مورد هدف خلقت بحث کرده ایم قسمتی از سخنانی را که در این باره گفته‌اند نقل کرده‌ایم و در اینجا - که بحث تاریخی است - مجالی برای تحقیق و بحث در این باره نیست ولی یک مطلب را - که بخصوص به این احادیث مربوط می‌شود - باید بطور اجمال ذکر کنیم، شاید بدینوسیله مقداری از ابهام این مسئله برطرف گردد. و آن اینکه مجموع روایاتی که در این باره رسیده است، بیش از صد روایت است که در باب‌های پراکنده نقل شده و از نظر مضمون بیش از حد تواتر است که قابل رد و انکار نمی‌باشد. و چنانچه ما نتوانیم برای آنها معنایی که قابل فهم و درکمان باشد پیدا کنیم، باید همانگونه که خود ائمه معصومین فرموده‌اند، علم آن را به خودشان

### تاریخ ولادت آنحضرت

در مورد تاریخ ولادت علی علیه السلام نیز - همانند ولادت رسول خدا «ص» - اختلاف زیاد است، که بگفته برخی مجموع

واگذار نموده، و بخاطر آنکه معنای قابل فهمی برای آن پیدا نکردیم، نمی‌توانیم نسبت جعل و دروغ به آنها داده و در صد انکار و رد آنها برآئیم.

گذشته از اینکه - همانگونه که اشاره شد - فکر و درک ما هر چه هم که زیاد باشد همانند خود ما محدود و قاصر است، و چنانچه برخی گفته‌اند، محتمل است این روایات، اشاره به همان مراتب وجودی باشد که اصحاب حکمت متعالیه گفته‌اند که در باطن این عالم، عالمی است اشرف و اکمل، که در باطن آن عالم نیز عالم اشرف و اکمل دیگری است، و همچنین تا برسد به حق اول و واجب الوجود، که از این عوالم در روایات، به عالم غیب و نور و روح و عالم ذر و امثال آن تعبیر شده، و از این رومی توان گفت که آنچه در طلیعه ممکنات از ناحیه ذات حق، شرف صدور یافته، موجودی واحد و بسیط بوده که در نهایت نورانیت و لطافت بوده و تدریجاً به عوالم دیگری قدم نهاده که بهمان نسبت تدریجاً از نورانیت و بساطت او کاسته شده تا در این عالم ناسوت که رسیده، به این صورتی که اکنون مشاهده می‌شود در آمده، و از آنجا که مظهر اعلای این ظهور در عالم طبیعت و ناسوت، جسم رسول خدا «ص» و پس از وی، ولی کامل و فرزندان آن بزرگوار هستند که نفوس آنها نیز پرتوی (و بضعه‌ای) از وجود آن حضرت است، بلکه همگی نور واحدی هستند، ائمه بزرگوار ما این حقیقت را با تعبیرهای گوناگونی که در این روایات هست برای ما بیان کرده‌اند. والله العالم.

و بهر صورت روایات در باره اتحاد نور محمد و علی علیهما السلام در خلقت زیاد است، که بهمین مقدار اکتفا می‌شود، و اما بحثهای دیگر مربوط به ولادت علی علیه السلام، یکی بحث درباره تاریخ ولادت آن بزرگوار است:

آنها به دوازده قول بالغ میشود و از آنجمله است:

۱ - سیزدهم رجب سی سال پس از عام الفیل - ده سال قبل از بعثت رسول خدا «ص» - که این قول را شیخ «ره» در تهذیب، و کلینی «ره» در کافی، و شهید «ره» در کتاب دروس، و مفید در ارشاد، و طبرسی در اعلام الوری، و ابن شهر آشوب در کتاب مناقب اختیار کرده اند.<sup>۹</sup>

و از علماء اهل سنت نیز از فصول المهمه ابن صباغ و استیعاب و طبقات ابن سعد و سیره ابن هشام و مستدرک حاکم و تاریخ الخلفاء و البداية و النهایة و دیگران نقل شده.<sup>۱۰</sup>

و مشهور میان محدثین و علماء شیعه نیز همین قول است. ۲ - سیزدهم رجب دوازده سال قبل از بعثت، که این قول نیز در مصباح الشریعه از عتاب بن اسید نیز از کتاب اقبال الاعمال روایت شده<sup>۱۱</sup>، و از علماء اهل سنت نیز از کتاب استیعاب ابن عبدالبر و نهایة الادب شیخ شهاب الدین نقل شده است.<sup>۱۲</sup> و اقوال دیگری نیز نقل شده مانند اینکه ولادت آنحضرت هفت سال، یا هشت سال و یا نه سال قبل از بعثت<sup>۱۳</sup> و در هفتم شعبان و یا هفدهم و بیست و سوم شعبان بوده<sup>۱۴</sup> که اینها اقوال نادری است و چندان اعتباری ندارد.

### ولادت آنحضرت در خانه کعبه بود

در این باره نیز روایات بسیاری از طریق شیعه و اهل سنت رسیده که ما ذیلاً برخی از آن روایات را از کتابهای اهل سنت برای شما نقل می کنیم:

حاکم نیشابوری در کتاب مستدرک (ج ۳ ص ۴۸۳) حدیث ولادت علی علیه السلام را در خانه کعبه نقل کرده و گوید: «وَقَدْ تَوَاتَرَتْ الْأَخْبَارُ أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ أَسَدٍ وُلِدَتْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ فِي جَوْفِ الْكَعْبَةِ.»

یعنی - اخبار متواتر است که فاطمه بنت اسد امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب کرم الله وجهه را در خانه کعبه بدنیا آورد.

و حافظ گنجی شافعی در کتاب کفایة الطالب (ص ۲۶۰) از حاکم روایت کرده که میگوید:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب در مکه و در بیت الله الحرام در شب جمعه سیزدهم رجب سی ام از عام الفیل بدنیا آمد، و جز او مولودی در بیت الله الحرام بدنیا نیامد، نه قبل از او و نه بعد

از او، و این بخاطر بزرگداشت مقام و محل او بود که بدین افتخار نائل گردید.

و علامه امینی رحمه الله در جلد ششم الغدير صفحه ۲۱ به بعد داستان ولادت آنحضرت را در خانه کعبه از زیاده از بیست کتاب از کتابهای اهل سنت و بیش از پنجاه کتاب از کتابهای علماء شیعه نقل کرده و اشعار زیادی نیز به زبان عربی در این باره ذکر می کند که از آن جمله است اشعار سید حمیری که دو بیت آن اینگونه است:

وَلَدَتْهُ فِي عَرَمِ الْإِلَهِ وَأَقْبِيهِ      وَالْبَيْتُ عَيْتُ فَنَؤُوهُ وَالْمَشْجِدُ  
بَيْضَاءُ طَاهِرَةً الْقِيَابِ كَرِيمُهُ      طَابَتْ وَطَابَتْ وَلِيدُهَا وَالْمَوْلُودُ  
و از آنجمله است اشعار شیخ حسین نجفی که می گوید:

جَعَلَ اللَّهُ بَيْتَهُ لِعَلِيِّ      مَوْلِدَ أُنْبَاءِ غُلَاةٍ لَأَبْطَاهِي  
لَمْ يُشَارِكُهُ فِي الْوِلَادَةِ فِيهِ      سَبَدُ الرُّسُلِ لِأَوْلَادِ سِبَاهِي  
و از آنجمله است قصیده سید علی نقی لکهنوی هندی که قافیه اش «لست آدری» است و در آن قصیده که در مدح علی «ع» است درباره ولادت آن حضرت می گوید:

لَمْ يَكُنْ فِي كَعْبَةِ الرَّحْمَنِ مَوْلُودًا      إِذْ تَمَالَى فِي التَّرَايَا عَنْ مِثَالِ فِي غُلَاةٍ  
وَتَوَلَّى ذِكْرُهُ فِي مُعْجَمِ الذِّكْرِ الْإِلَهِ      أَطْوَلُ الْكُرْفِيِّ بَعْدَ هَذَا: نَسْتُ آدْرِي  
أَقْبَلْتُ فَاطِمَةَ حَامِلَةً خَيْرِ بَجِينِ      جَاءَ مَخْلُوفًا بِبُورِ الْقُدْسِ لِأَلْمَاءِ الْمُهَيِّنِ  
وَرَدَى مَنْظَرَ الْأَمْوَاتِ بَيْنَ الْعَالَمِينَ      كَيْفَ قَدْ أُوذِعَ فِي حَنْبٍ وَصَدْرُهَا نَسْتُ آدْرِي

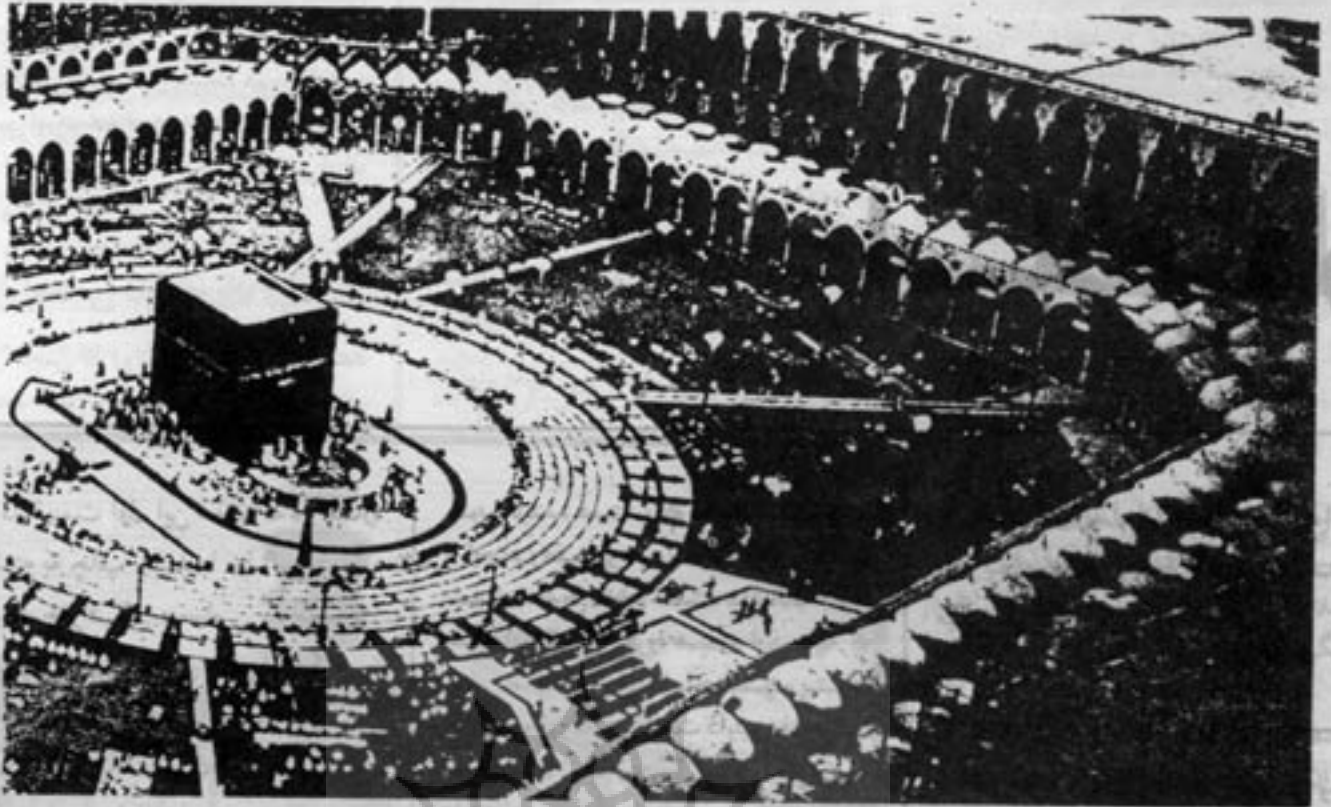
و بالجمله اصل داستان متواتر است ولی در کیفیت آن اختلافی در روایات بچشم می خورد که در روایات اهل سنت تا جائیکه نگارنده دیده ام اینگونه است که چون درد زائیدن فاطمه بنت اسد را گرفت و شکایت حال خود را به ابوطالب کرد، ابوطالب دست او را گرفته و بمسجد الحرام آورد و بدرون خانه کعبه برد و بدو گفت:

«إِجْلِسِي عَلَيَّ اِسْمُ اللَّهِ»

- بنام خدا در اینجا بنشین-

و سپس فاطمه بنت اسد پسر زبانی زائید و ابوطالب او را «علی» نامید، و این حدیث را ابن مغازلی در مناقب و ابن صباغ در فصول المهمه و دیگران نقل کرده اند که هرکه تفصیل بیشتری را در این باره خواهد، می تواند به کتاب احقاق الحق (ج ۷ ص ۴۸۶) به بعد) مراجعه و مطالعه نماید. و نظیر این ماجرا در برخی از روایات علماء شیعه نیز ذکر





والبتة باید دانست که در داستان ولادت امیرالمؤمنین  
مباحث دیگری نیز هست که انشاء الله باید در جای خود از آنها  
بحث شود، و در اینجا بهمین مقدار اکتفا میشود.

در مرحله علی نه چون است و نه چند  
بی فرزندی که خانه زادی دارد  
و از آنجمله است رباعی زیر:

رومی نشد از سر علی کس آگاه  
آری نشد آگه کسی از سر آله  
یک ممکن و این همه صفات واجب  
لاحصول ولا فیه الا بسبب الله  
روزیکه علی بکعبه آمد بوجود  
از بهر علی خدا در از کعبه گشود  
درسته بداد خانه خود به علی  
حقا که علی است خانه زاد معبود

و این هم اشعاری است از عماد تهرانی:

زنج نابرده بکنج دل ویرانه ما  
گنج از مهر تو داد دل ویرانه ما  
گیل ما را بید قدرت بولای تو سرشت  
نقش روی تو بود در دل دیوانه ما  
مستی از می کند آن بخیراز مستی عشق  
کمی خیر دارد از این تاله مستانه ما  
آنکه مست از می ناب است کجا میداند  
بار ما کیست که بُد ساقی میخانه ما  
حرم کعبه ترا مولد از آن شد یعنی  
ای مهین بنده توئی صاحب این خانه ما

- ۱- ینایع الموده - صفحه ۲۵۶ ط - اسلامبول
- ۲- احقاق الحق - ج ۵ - ص ۴۵۳
- ۳- کفایة الطالب - ص ۱۷۶

- ۴- مناقب خوارزمین - ص ۸۶ - ج تبریز
- ۵- احقاق الحق - ج ۵ - ص ۲۳۲
- ۶- کفایة الطالب - ص ۲۷۸ - ج، نجف اشرف
- ۷- خصال - ج ۲ - ص ۱۷۲ - و کشف الغمب ص ۸۶ و ۸۷
- ۸- کتاب مبارزه با گناه - بخش چهارم
- ۹- بحار - ج ۳۵ - ص ۳ - ۴۰

- ۱۰- الصحیح من السیره - ج ۱ - ص ۱۲۸ - و احقاق الحق ج ۷
- ۱۱- بحار - ج ۳۵ - ص ۷
- ۱۲- احقاق الحق - ج ۷ - ص ۵۴۹
- ۱۳- احقاق الحق - ج ۷ - ص ۵۳۸ - ۵۴۰ - ۵۴۲
- ۱۴- بحار - ج ۳۵ - ص ۷
- ۱۵- الغدیر - ج ۶ - ص ۲۲